

نقد قرآن پژوهی انتقادی میان رشته‌ای با تأکید بر قرآن مورخان



هفتاد و نهمین کرسی آزاداندیشی پژوهشگاه مطالعات تقریبی با موضوع «نقد قرآن پژوهی انتقادی میان رشته‌ای با تأکید بر قرآن مورخان» با تأیید کمیته مرکزی کرسی‌های آزاداندیشی حوزه علمیه در سالن برگزاری جلسات علمی پژوهشگاه مطالعات تقریبی در تاریخ ۸ بهمن ماه ۱۴۰۲ برگزار گردید.

در این جلسه حجت الاسلام والمسلمین عباسعلی براتی یزدی به عنوان ناقد و ارائه دهنده و حجت الاسلام محمدرضا پی‌سپار به عنوان دبیر علمی و حجت الاسلام سید مصطفی حسینی رودباری به عنوان داور و جمعی از پژوهشگران عرصه جهان اسلام به صورت حضوری و برخط شرکت داشتند.

حجت الاسلام محمدرضا پی‌سپار، دبیر علمی کرسی آزاداندیشی در مقدمه بیان کرد: تاریخ نگاری به طرق مختلف بر هویت دینی، ملی و نیز آینده آن امت یا ملت و عملکرد آنها تأثیر می‌گذارد. از تأثیرات آن عبارت است از:

تاریخ نگاری به روایت‌ها و تفسیرهای تاریخ دینی یک امت شکل داده و بر درک جوامع دینی و از خود

از این‌رو ابتدا باید واژگان علم، انتقاد، تاریخ، میان‌رشته‌ای تعریف شوند. ایشان بدون رعایت معنا و تعریف اصطلاحات، ادعای خود را مطرح کرده‌اند؛ درحالی‌که کاملاً مغایر تعاریف خود عمل نموده‌اند؛ پس نتیجه‌ای که ادعا می‌کنند به دست آورده‌اند از وجاهت علمی برخوردار نخواهد بود.

آقای براتی یزدی اشکالاتی را به شیوه روایت‌های تاریخی این کتاب و نظایر آن وارد دانست و ضمن بیان دیدگاه گردآورندگان کتاب قرآن مورخان، اشکال آن ادعاها را تبیین نمود:

ادعاهای نویسندگان و گردآورندگان اثر قرآن مورخان:

ما درباره قرآن مطالعه‌ای کرده‌ایم و اثری به وجود آورده‌ایم؛

ما با روش تاریخی انتقادی قرآن را بررسی کرده‌ایم؛

از آنجا که نگاه ما به قرآن، نگاه مؤمنانه و همدلانه نیست، منابع مسلمان را قبول نداریم و فقط از منابع مخالفین استفاده می‌کنیم؛

این اثر، میان‌رشته‌ای است. برای دانستن اینکه این متن از کجا پیدا شده و سرچشمه آن کجا بوده و سیر تحولی تدوین این متن چه بوده است و برای اینکه بتوانیم پشت پرده و زمانه و تاریخ و اهداف و انگیزه‌هایش را بررسی کنیم، به روش جدیدی ورود کرده‌ایم و غیر از تاریخ از چند رشته دیگر هم استفاده کرده‌ایم مانند: باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، نسخه‌شناسی...؛

آثار و شواهد مختلفی در علوم مختلف دال بر مدعای ما وجود دارد؛

تمام موضوعات قابلیت نقد علمی دارند، از این‌رو باید در نقد قرآن و متون مقدس همکاری کرد.

جواب‌های استاد براتی یزدی:

بر خلاف ادعای مطرح شده، این کتاب تولید اثر نبوده و در واقع مقالاتی جمع‌آوری شده و برای این مقالات هم تبیین مقدماتی صورت نگرفته است. این روش جدیدی است به‌عنوان book Open؛ فصل‌ها را انتخاب می‌کند و باز می‌گذارد تا هر که می‌خواهد در نوشتن آن مشارکت کند؛ با این‌حال آنها برای

این اثر گردآوری شده، حتی تمهید مقدمه هم نکرده‌اند و فقط مقالات از قبل نوشته شده و هماهنگ با مطلوب خودشان را گردآوری نموده‌اند.

این سخن که می‌گویند ما قرآن را تاریخی انتقادی بحث کرده‌ایم در واقع تعارض درونی دارد و با توجه به شناختی که از دشمنان داریم سخنی فریبکارانه است برای خصمانه عمل کردن و علمی جلوه دادن عملشان؛ زیرا:

الف: تاریخ و بحث تاریخی یعنی کاری علمی برای بررسی وقایع ثبت شده و جمع بندی اقوال مختلف برای تشخیص حقیقت و واقعیت موضوع مورد نظر، بدون پیش‌داوری و دخالت رأی و نظر و حب و بغض شخصی.

ب: انتقاد نزد ما مشرقی‌ها یعنی سوا کردن و تشخیص سره از ناسره؛ اما نزد غربی‌ها به معنی زیر سؤال بردن چیزی است که از آن خوششان نمی‌آید و در فرهنگ لغاتشان نیز این چنین معنا شده. به تعبیر بهتر علمی با موضوع رفتار نمی‌کنند؛ بلکه مبنی بر بغض شخصی تلاش برای نفی آن می‌کنند.

= در نتیجه طبق تعریف خودشان، جمع واژگان تاریخی انتقادی، جمعی متعارض است.

ادعای آنها مبنی بر تاریخی بودن تحقیقات انجام شده در این کتاب، باطل است؛ زیرا در بحث تاریخی همه جوانب موافق و مخالف موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد و باید از آن‌ها که نزدیک به پدیده بوده‌اند تحقیق صورت گیرد، مثلاً شکسپیر را در ژاپن جستجو نمی‌کنند؛ ولی در این کتاب فقط آثار مخالفین اسلام و قرآن مورد بحث و کنکاش قرار گرفته است.

علاوه بر این، اگر تحقیقات و نظرات مسلمانان را قبول ندارند، می‌توانستند به آراء مستشرقان دیگری که پس از تحقیقات علمی، موافق قرآن شده‌اند مراجعه کنند. مثلاً: دکتر هانری کربن که اینها ادعای شاگردی او را دارند نکات مثبتی از قرآن یافته و ذکر کرده است و یا دکتر حسین عبدالهی خوروش، تک نفره، مطالعه کرد و به دو هزار نفر از مستشرقین رسید که مادح و عاشق قرآن بوده‌اند.

آنها مدعی شده‌اند این اثر میان رشته‌ای است و از چند رشته علمی به روش تاریخی انتقادی برای بررسی قرآن بهره گرفته‌اند؛ ولی بنده معتقدم حدود ۷۰ رشته را مدنظر قرار داده‌اند؛

آنها باید علوم و رشته‌های، ادعایی را نام ببرند و کاربرد علوم در این اثر را مشخص کنند و باید

از متخصصین آن علوم در اثبات مدعی استفاده کنند. متخصصین نیز تا جایی که توان علمی دارند باید سخن بگویند.

متأسفانه، علمی‌رغم عدم بیان رشته‌های ادعایی، از این علوم طبق قواعد علمی استفاده نکرده‌اند. توضیح اینکه به‌عنوان مثال: باید معلوم شود که آیا علوم عقلی که حسی نیستند را جزء رشته‌های علمی محسوب می‌کنند یا نه؟ جواب این است که تعریف آنها از علم و علمی بودن، عبارت است از: هر چیزی که قابل تجربه و حس باشد؛ درحالی‌که علم کلام و فلسفه عقلی محض هستند و قابل حس و تجربه نیستند؛ پس علم کلام رشته علمی نیست. با توجه به اینکه ادعا شده از تاریخ مادی استفاده کرده‌اند، در حیطه صلاحیت ایشان نیست که بگویند قرآن از جانب خدا نیست؛ چون این یک مطلب کلامی است و طبق تعریف آنها هیچ علمی نمی‌تواند برای علم دیگر نتیجه‌گیری کند.

بر فرض علمی بودن کتاب قرآن مورخان، با توجه به قطعی نبودن نتایج تحقیقات علمی آن‌گونه که مبنای آنهاست، شواهد آنها و نتایج حاصله برای اثبات مدعا کافی نیست.

مدعی هستند که به کتیبه‌ها، نسخه‌ها و آثار باستانی مراجعه کرده‌اند؛ ولی در همین کتاب اعتراف کرده‌اند که چیز چندانی از این آثار وجود ندارد تا بتوانیم تاریخ‌نگاری کنیم و این حرف عجیبی است؛ زیرا وقتی سند چندانی در دست ندارند چگونه در مورد قرآن قضاوت تاریخی می‌کنند؟ آنها با بوق و تبلیغات، دو قرن یک چیز را تبلیغ کنند هرچند شواهدش وجود نداشته باشد. مثل نظریه داروین که حلقه‌هایش کامل نشده است؛ ولی به واسطه‌اش همه را کنار می‌زنند. خود داروین چنین معتقد نبود که خدا را رد کرده است.

از آنجا که مدعی قابلیت نقد هر موضوع و پدیده‌ای هستند و باید بر آن همت گماشت، از آنها خواستیم تا در جلسات نقد کتاب قرآن مورخان شرکت کنند و با ما در این نقد همکاری کنند؛ ولی از این کار سر باز زدند و گفتند ما این کار را نمی‌کنیم؛ زیرا به صلاح ما نیست.

این کتاب تقریبی و به دنبال شناخت متقابل درست شرق و غرب از یکدیگر و حقیقت‌یابی نیست؛ بلکه خیلی پوپولیستی و عوام‌فریبانه و بر اساس انتقاد به معنی غرض‌ورزی گردآوری شده است.

امیر معزی اسمش ایرانی است؛ ولی از سیزده‌سالگی در اروپا زندگی کرده و شخصیت و نگاهش در غرب شکل‌گرفته است که با ذکاوت او را جلو انداخته‌اند تا کتاب اثری درون شیعی معرفی شود.

این کتاب، نه مورد قبول دانشمندان بوده است و نه مورد قبول عوام. ۵ سال از انتشار کتاب می‌گذرد؛ اما استقبال چندانی از آن نشده است. یک نفر کتاب را نقد کرد و بعداً چند سایت دیگر نقد کردند و من هم نقد کردم؛ هیچ جوابی ندادند و اظهارنظر هم نکردند. کسی که نقد می‌کند باید پای نقدش بایستد.



